

دو فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱: ۵۴-۳۳

مطالعه عدالت اجتماعی در برنامه های توسعه از نگاهی نو

محمد حسین رضائی *

پذیرش نهایی: ۹۱/۱۱/۱

دریافت مقاله: ۹۱/۸/۱۴

چکیده

موضوع مقاله بررسی وضعیت عدالت اجتماعی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران است. جامعه آماری آن برنامه های دوّم و سوّم و چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران است. در این تحقیق عدالت اجتماعی، توجه نسبتاً برابر به تمام حوزه های زندگی اجتماعی و ارزشهای محوری آنها همراه با برابری در انواع آزادیها و فرصتها و نابرابری مشروط در تولید و توزیع ارزشهای محوری است.

نتایج تحلیل محتوای کمی و کیفی سه برنامه توسعه (دوّم، سوّم، چهارم) نشان می‌دهد در توجه به حوزه های چهارگانه زندگی اجتماعی تعادلی وجود ندارد. به طور میانگین در طی سه برنامه حدود ۶۰ درصد توجه به حوزه زندگی اقتصادی است و نسبت به حوزه زندگی سیاسی تقریباً توجهی نشده است (حدود دو درصد). به حوزه زندگی جامعه‌وی نیز کم توجه شده است (حدود ۱۵ درصد). توجه به حوزه زندگی فرهنگی حدود ۲۴ درصد است در حالی که بر اساس چارچوب مفهومی - تحلیلی این اعداد باید حدود ۲۵ درصد باشد. تأثیرات بی توجهی به حوزه زندگی سیاسی و کم توجهی به حوزه زندگی جامعه‌وی در برنامه ها در وضعیت جاری جامعه نمایان است. اختلافات شدید سیاسی، کاهش قابل توجه سرمایه های اجتماعی و افزایش انواع انحرافات اجتماعی از نشانه های آن است.

کلید واژه‌ها: عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی، عدالت جامعه‌وی، عدالت فرهنگی.

طرح مسئله

در اندیشه بسیاری از اندیشمندان بویژه دانشمندان اسلامی این دیدگاه هست که اگر همه انسانها صالح و عادل بشوند، جامعه صالح و عادلانه خواهد شد. از دیدگاه جامعه شناسی سیاسی، این طرز تلقی چندان درست نیست؛ چون در واقع این امکان ندارد که همه انسانها، صالح و عادل باشند. در بهترین حالت جوامعی هستند که بیشتر انسانهای آن صالح و عادل و تعداد کمی هم انسانهای غیر صالح و ظالم هستند و حکومت هم در دست انسانهای صالح و عادل است. آیا در چنین وضعیتی جامعه صالح و عادلانه خواهد شد؟ جواب منفی است؛ زیرا حاکم عادل با حکومت عادلانه متفاوت است. حاکم عادل لزوماً حکومت عادلانه ندارد. یکی از شروط حکومت عادلانه، حاکم عادل است. حکومت عادلانه سامانه اداره عادلانه جامعه دارد که با برنامه‌های طولانی مدت، میان مدت و کوتاه مدت عادلانه کار می‌کند. برنامه و سامانه عادلانه دو رکن اساسی حکومت عادلانه است و این دو لازم و ملزوم یکدیگر است.

این نوع نگاه به عدالت اجتماعی می‌کوشد تا جامعه را مورد توجه قرار دهد در حالی که نگاه قبلی عدالت اجتماعی را به سطح فردی می‌آورد. بدیهی است که با نگاه فردی نمی‌توان جامعه را، که در سطح کلان است، اداره کرد؛ به عبارت دیگر هر فرد با همکاری تعدادی افراد دیگر قادر به اداره جامعه نیست بلکه اداره جامعه نیاز به عوامل و ابزارهای سطح کلان دارد؛ مانند قانون، برنامه، ارتباط سیستمی تمامی اجزای جامعه و... علاوه بر این به نگاه و تحلیل در سطح کلان نیاز دارد. سؤال اصلی مقاله این است: تا چه حد برنامه‌های کلان توسعه جمهوری اسلامی ایران در جهت تحقق عدالت اجتماعی قرار دارد؟ در طول سالهای بعد از انقلاب تاکنون، پنج برنامه توسعه تصویب و چهار برنامه آن اجرا شده و برنامه پنجم نیز از ابتدای سال ۱۳۹۰ در دست اجراست. در این تحقیق برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه برای پاسخ به پرسش محوری مقاله مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

برنامه‌های توسعه مهمترین ساز و کار حکومت برای تحقق عدالت اجتماعی در جامعه است و به این دلیل دارای اهمیت بسیار است. به همین دلیل توجه اساسی به عدالت اجتماعی در برنامه نویسی و تنظیم آن به ساخت یابی عادلانه جامعه و تعالی و پیشرفت متوازن در همه ابعاد، عرصه‌ها، قشرها و مناطق مختلف جغرافیایی کشور منجر می‌شود.

اهداف تحقیق

بر اساس آنچه بیان شد در این تحقیق دو هدف اصلی دنبال می‌شود:

- ۱- ساخت چارچوب مفهومی متناسب با وضعیت ایران برای تحلیل وضعیت عدالت اجتماعی که گامی در جهت پردازش نظریه ترکیبی در باب عدالت اجتماعی در سطح کلان است.
- ۲- تحلیل برنامه‌های دوّم، سوّم و چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران با استفاده از چارچوب مفهومی ساخته شده از حیث اینکه تا چه حد در جهت تحقق عدالت اجتماعی در جامعه ایران به طور مؤثر تنظیم و تحریر شده است.

چارچوب مفهومی - تحلیلی عدالت اجتماعی

زندگی اجتماعی انسان در جامعه متشکل از چهار حوزه است: حوزه زندگی اقتصادی، زندگی سیاسی، زندگی جامعه‌ی^(۱) و زندگی فرهنگی. این چهار حوزه زندگی در عین استقلال در ساز و کار فعالیت داخلی با یکدیگر دارای ارتباط و تعامل است و محصول فعالیت‌های خود را با یکدیگر مبادله، و از این طریق، سلامت، پویایی، پیشرفت و بقای جامعه را به طور عادلانه تأمین می‌کند.

حوزه زندگی اقتصادی با فراهم آوردن مکفی منابع و تسهیلات لازم برای زندگی و هماهنگی با محیط خارجی نظام بر اساس ساختاری عادلانه و سامانه توزیع عادلانه سرمایه‌ها، تولیدات و دستاوردها، کارکرد کلی انطباق‌پذیری را فراهم می‌آورد. ارزش محوری این حوزه زندگی، ثروت است که باید عادلانه در جامعه توزیع شود.

سامانه توزیع عادلانه ثروت بدون ساختار عادلانه تولید ثروت امکان‌پذیر نیست. ساختار تولید عادلانه و سامانه توزیع عادلانه ثروت بر اساس رعایت سه اصل امکان‌پذیر می‌شود:

- ۱- برخورداری از آزادی برابر، برای فعالیت‌های اقتصادی برای همه اعضای جامعه
- ۲- برابری منصفانه به منظور استفاده از فرصت‌های اقتصادی برای همه اعضای جامعه
- ۳- نابرابری در میزان دارا بودن ثروت تا آنجا مجاز است که نفع آن به طبقات محروم برسد؛ ضمناً میزان نابرابری در ثروت نامحدود نیست و دولت باید با سیاست‌های اقتصادی و بویژه مالیاتی، گستردگی این شکاف را کنترل کند؛ به همین دلیل تمام قوانین و برنامه‌های اقتصادی در سطوح

1-Societal

مختلف نباید ناقص اصول یاد شده باشد؛ هم چنین تمامی اعضای جامعه در برابر قوانین اقتصادی با یکدیگر مساوی هستند.

حوزه زندگی سیاسی تمام تلاشها و انرژیهای نظام را در جهت تحقق اهداف برمی‌انگیزاند و در ساختاری عادلانه سازماندهی می‌کند و با سامانه توزیعی عادلانه تمام سرمایه‌ها، تولیدات و دستاوردهای آن را در جامعه پخش می‌کند. کارکرد کلی این حوزه زندگی تحقق اهداف، و ارزش محوری آن، قدرت است که باید عادلانه در جامعه توزیع شود. همان طور که در مورد حوزه زندگی اقتصادی گفته شد، بدون ساختار عادلانه تولید قدرت، توزیع عادلانه قدرت نیز امکانپذیر نیست. ساختار تولید عادلانه و سامانه توزیع عادلانه قدرت بر اساس رعایت اصول زیر امکانپذیر است.

۱ - برخورداری برابر همه اعضای جامعه از آزادی در فعالیتهای سیاسی

۲ - برابری منصفانه در استفاده از فرصتهای سیاسی برای همه اعضای جامعه

۳ - نابرابری در میزان دارا بودن قدرت مجاز است به این شرط که هدف، تلاش در جهت خیر

همگانی باشد نه تحقق منافع شخصی یا گروهی

پس قوانین و برنامه های سیاسی در سطوح مختلف نباید ناقص این اصول باشد؛ هم چنین

تمامی اعضای جامعه در برابر قوانین سیاسی با یکدیگر برابر هستند.

حوزه زندگی جماعی به همبستگی یا انسجام حوزه‌های مختلف زندگی و یا خرده نظامها معطوف است و بین آنها کنترل و هماهنگی برقرار می‌کند و از گسیختگی آنها از یکدیگر جلوگیری می‌کند. کارکرد اساسی این حوزه یگانگی، و ارزشهای محوری آن تعهد، احترام و محبت است که باید عادلانه در جامعه توزیع شود. همان طور که در مورد دو حوزه قبلی گفته شد در این حوزه نیز بدون ساختار تولید عادلانه تعهد، احترام و محبت امکان توزیع عادلانه تعهد، احترام و محبت فراهم نمی‌شود. ساختار تولید عادلانه و سامانه توزیع عادلانه تعهد، احترام و محبت بر اساس اصول ذیل امکانپذیر است:

۱ - آزادی برابر در فعالیتهای جماعی برای همه افراد جامعه

۲ - برابری منصفانه به منظور استفاده از فرصتهای جماعی برای همه اعضای جامعه

۳ - نابرابری در میزان دارا بودن تعهد، احترام و محبت مجاز است منتهی به این شرط که موجب

افزایش تعهد، احترام و محبت نسبت به دیگران بویژه اقشار محروم جامعه شود.

توضیح اینکه تعهد، احترام و محبت بر یکدیگر تأثیر متقابل کارکردی دارد. برخورداری و افزایش تعهد، برخورداری و افزایش احترام و محبت را به دنبال دارد و متقابلاً برخورداری و افزایش احترام، برخورداری و افزایش تعهد را به دنبال دارد. نکته دیگر اینکه تعهد، احترام و محبت جزء منابع محدود نیست که با افزایش برخورداری یک فرد یا گروه، میزان سهم فرد یا گروه دیگر کم شود. نکته سوم اینکه در ذات تعهد، احترام و محبت منافع اجتماعی نهفته است؛ لذا با افزایش میزان آنها به میزان منافع اجتماعی افزوده می‌شود.

همانند دو حوزه قبلی تمام قوانین و برنامه‌های جامعوی در سطوح مختلف نباید ناقض این اصول باشد؛ هم چنین تمام اعضای جامعه باید در برابر قوانین جامعوی با یکدیگر مساوی باشند. حوزه زندگی فرهنگی به فرایندهایی معطوف است که انرژی انگیزشی، دانش و اطلاعات را تولید و ذخیره، و در نظام، توزیع می‌کند و مستلزم دو کارکرد به هم پیوسته است: ۱ - نگهداری الگویی که از نمادها، ایده‌ها، سلیقه‌ها و قضاوت‌های خرده نظام فرهنگی حمایت می‌کند. ۲ - مدیریت تنش که به از میان برداشتن تنش‌های درونی و تنش‌های کنشگران می‌پردازد. کارکرد اساسی این حوزه یا خرده نظام در مجموع بقای الگویی است که از طریق آن هویت جامعه با وجود پویایی و تغییر حفظ می‌شود و تداوم می‌یابد. ارزشهای محوری این حوزه تولید نیروی انگیزشی، دانش و اطلاعات است.

کارکرد مطلوب این حوزه در نتیجه وجود ساختاری عادلانه است که تولید نیروی انگیزشی، دانش و اطلاعات در آن صورت گیرد و این تولیدات با سامانه‌ای عادلانه در جامعه توزیع شود. همانند سه حوزه قبلی در اینجا نیز سامانه توزیع عادلانه نیروی انگیزشی، دانش و اطلاعات مستلزم ساختار تولیدی عادلانه است.

ساختار تولید عادلانه و سامانه انتقال عادلانه نیروی انگیزشی، دانش و اطلاعات بر اساس رعایت اصول ذیل امکانپذیر می‌شود:

- ۱ - آزادی برابر در فعالیتهای فرهنگی برای همه افراد جامعه
- ۲ - برابری منصفانه در استفاده از فرصتهای فرهنگی برای همه اعضای جامعه
- ۳ - نابرابری در میزان دارا بودن نیروی انگیزشی، دانش و اطلاعات مجاز است منتهی به این شرط که به افزایش نیروی انگیزشی، دانش و اطلاعات برای دیگران بویژه اقشار محروم جامعه منجر شود.

توضیح اینکه میزان نیروی انگیزشی، دانش و اطلاعات محدود نیست؛ لذا افزایش آنها در یک فرد یا گروه، موجب کم شدن سهم افراد یا گروه های دیگر نمی شود. به همین دلیل با وجود اصول اول و دوم و محافظت از آنها، نابرابری در نیروی انگیزشی، دانش و اطلاعات نه تنها خطری برای جامعه ندارد بلکه موجب افزایش کارکرد و تولیدات حوزه زندگی فرهنگی و به دنبال آن، سایر حوزه ها می شود.

کارکرد اساسی: تحقق اهداف

کارکرد اساسی: انطباق پذیری

<p>حوزه زندگی سیاسی</p> <p>ارزش محوری: قدرت</p> <p>عدالت سیاسی:</p> <p>تولید و توزیع عادلانه قدرت بر اساس</p> <p>۱- برابری آزادیهای سیاسی</p> <p>۲- برابری منصفانه استفاده از فرصتهای سیاسی</p> <p>۳- نابرابری در دارا بودن قدرت مشروط به استفاده از آن در جهت منافع عمومی</p>	<p>حوزه زندگی اقتصادی</p> <p>ارزش محوری: ثروت</p> <p>عدالت اقتصادی:</p> <p>تولید و توزیع عادلانه ثروت بر اساس</p> <p>۱- برابری آزادیهای اقتصادی</p> <p>۲- برابری منصفانه در استفاده از فرصتهای اقتصادی</p> <p>۳- نابرابری محدود در دارا بودن ثروت و مشروط به بهره مند شدن محرومان جامعه</p>
<p>حوزه زندگی جامعه‌ی</p> <p>ارزشهای محوری: تعهد و احترام و محبت</p> <p>عدالت جامعه‌ی:</p> <p>تولید و توزیع عادلانه تعهد و احترام و محبت بر اساس</p> <p>۱- برابری آزادیهای جامعه‌ی</p> <p>۲- برابری منصفانه استفاده از فرصتهای جامعه‌ی</p> <p>۳- نابرابری در دارا بودن تعهد، احترام و محبت مشروط به افزایش تعهد، احترام و محبت نسبت به دیگران بویژه اقشار محروم</p>	<p>حوزه زندگی فرهنگی</p> <p>ارزشهای محوری: نیروی انگیزشی، دانش و اطلاعات</p> <p>عدالت فرهنگی:</p> <p>تولید و انتقال عادلانه نیروی انگیزشی، دانش و اطلاعات بر اساس</p> <p>۱- برابری آزادیهای فرهنگی</p> <p>۲- برابری منصفانه استفاده از فرصتهای فرهنگی</p> <p>۳- نابرابری در دارا بودن نیروی انگیزشی، دانش و اطلاعات مشروط به افزایش نیروی انگیزشی، دانش و اطلاعات برای دیگران بویژه اقشار محروم</p>

کارکرد اساسی: یگانگی

کارکرد اساسی: بقای الگویی

شکل ۱: چگونگی برقراری عدالت اجتماعی در حوزه های چهارگانه زندگی اجتماعی^(۲)

در مورد حوزه های چهارگانه زندگی اجتماعی و چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر باید به چند نکته اساسی توجه کرد:

۱- ساختار و ساز و کار تولید و توزیع عادلانه هریک از ارزشهای حوزه‌های چهارگانه زندگی اجتماعی، خاص خودش است و لذا قابل تسری به حوزه‌های دیگر نیست؛ مثلاً ساختار و ساز و کار عادلانه تولید ثروت با ساختار و ساز و کار عادلانه تولید احترام متفاوت است.

۲- هر یک از حوزه های چهارگانه زندگی اجتماعی و تولیدات آن برای کل نظام و جامعه ضروری است و هیچ یک بر دیگری اولویت و برتری ندارد. اولویت یک حوزه بر حوزه دیگر، ساختار نظام و جامعه را از عدالت اجتماعی دور می کند؛ لذا همواره باید حالت تعادل و برابری بین آنها باشد.

۳- به ترتیب، حوزه‌ها یا خرده نظامهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، دارای اطلاعات بیشتر و انرژی کمتر است. هر خرده نظام با خرده نظامی کنترل می شود که اطلاعات بیشتر و انرژی کمتری دارد که به آن سلسله مراتب اطلاعات، انرژی و کنترل گفته می شود.

انواع عدالت اجتماعی	سلسله مراتب سبیرنتیک		حوزه های زندگی اجتماعی
عدالت فرهنگی	انرژی کم	اطلاعات زیاد	حوزه زندگی فرهنگی
عدالت جامعی	↓	↑	حوزه زندگی جامعی
عدالت سیاسی			حوزه زندگی سیاسی
عدالت اقتصادی	انرژی زیاد	اطلاعات کم	حوزه زندگی اقتصادی

شکل ۲: سلسله مراتب ارتباط اطلاعات، انرژی و کنترل در حوزه‌های زندگی اجتماعی و انواع عدالت اجتماعی

براساس آنچه گفته شد، می توان عدالت اجتماعی را در سطح کلان این گونه تعریف کرد: توجه نسبتاً برابر به تمام حوزه های زندگی اجتماعی (اقتصادی، سیاسی، جامعی و فرهنگی) و ارزشهای محوری آنها (ثروت، قدرت، تعهد و دانش) به لحاظ آزادی فعالیتها، برابری فرصتها و نابرابری مشروط در تولید و توزیع ارزشهای محوری. این برداشت از عدالت اجتماعی در سطح کلان با مفهوم عدالت اجتماعی در سطح خرد متفاوت است. دغدغه اساسی عدالت اجتماعی در سطح خرد، چگونگی توزیع ثروت، قدرت، تعهد و دانش بین مردم است. آیا همه مردم نسبتاً برابر

از آزادیها و فرصتها از ثروت، قدرت، تعهد و دانش بهره مند می شوند؟
توجه و تحلیل عدالت اجتماعی در سطح خرد موضوع اصلی این نوشته نیست بلکه توجه و
تحلیل عدالت اجتماعی در سطح کلان موضوع این نوشته است. توجه و تحلیل عدالت اجتماعی از
این زاویه تا به حال کمتر انجام شده است.

پرسش‌های اساسی

- ۱ - آیا برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران شامل تمام حوزه‌های زندگی اقتصادی،
سیاسی، جامعه‌ی و فرهنگی می‌شود؟
- ۲ - آیا برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. به حوزه‌های زندگی اقتصادی، سیاسی، جامعه‌ی و فرهنگی
توجه نسبتاً برابر دارد؟
- ۳ - آیا برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. برای تأمین آزادیهای نسبتاً برابر در فعالیتهای اقتصادی، سیاسی،
جامعه‌ی و فرهنگی برای همه اعضای جامعه ماده‌هایی دارد؛ اگر جواب مثبت است، آنها کدام
است؟
- ۴ - آیا برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. برای فراهم ساختن فرصتهای اقتصادی، سیاسی، جامعه‌ی و
فرهنگی به صورت نسبتاً برابر برای همه اعضای جامعه ماده‌هایی دارد؛ اگر جواب مثبت است، اینها
کدام است؟
- ۵ - آیا برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. برای تعدیل و محدود کردن نابرابریهای ثروت و رساندن نفع
نابرابریهای موجود به افراد محروم جامعه ماده‌هایی دارد؛ اگر جواب مثبت است، آنها کدام است؟
- ۶ - آیا برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. برای رساندن خیر همگانی ناشی از نابرابریهای قدرت و عدم
استفاده شخصی و گروهی از آن ماده‌ای دارد؛ اگر جواب مثبت است، آنها چیست؟
- ۷ - آیا برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. برای تولید و انتقال تعهد، احترام و محبت در سراسر جامعه و
برای همه افراد جامعه ماده‌ای دارد؛ اگر جواب مثبت است، آنها چیست؟
- ۸ - آیا برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. برای تولید، انتقال و کاربرد نیروی انگیزشی، دانش و اطلاعات
در سراسر جامعه و برای همه افراد جامعه ماده‌ای دارد؛ اگر جواب مثبت است، آنها چیست؟

روش تحقیق

با توجه به عنوان تحقیق، «عدالت اجتماعی و جایگاه آن در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران» جامعه آماری متن برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه است که مصوب مجلس شورای اسلامی است. برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق مناسبترین راه، مراجعه به متن برنامه‌هاست. منتهی پاسخ پرسش‌ها را باید از مضمون محتوای متن برنامه‌ها استنباط کرد؛ چون در برنامه‌ها به طور مشخص و صریح، تعریف و تحلیل مشخصی از عدالت اجتماعی و سنخ‌بندی آن عرضه نشده است. با توجه به این توضیحات یکی از روشهای مناسب برای ساخت پایه تجربی تحقیق، تحلیل محتوا است. روش تحلیل محتوا، انواع متعددی دارد اما همه آنها برای مطالعه آنچه در گفتار، نوشتار و تصویر هست - ولی در نگاه اول دیده نمی‌شود - و به عبارت دیگر آنچه تلویحی و نهفته است، مناسب است (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۳: ۲۲۵).

تحلیل محتوا را به دو شیوه می‌توان به کار برد: ۱ - به عنوان فن^۱ که بیشتر کار کارشناسی داده‌ها از متن به شیوه شمارش یا استنباط جمع‌آوری، و سپس طبقه‌بندی و تحلیل می‌شود. ۲ - به عنوان روش^۲ که بیشتر کار علمی است. از درون چارچوب مفهومی - تحلیلی، مقولات بیرون می‌آید. از متن با روش کمی یا کیفی یا ترکیبی، داده‌های لازم براساس مقولات استخراج، و با استفاده از چارچوب مقاله، داده‌ها تحلیل می‌شود. مسیر حرکت از کل به جزء و سپس از جزء به کل^۳ است. در این تحقیق تحلیل محتوا به عنوان روش استفاده می‌شود.

نکته مهم دیگر اینکه روش تحلیل محتوا را می‌توان با توجه به زمینه اجتماعی^۴، که متن نوشتاری^۵ در آن قرار گرفته است به کار برد که تا حدودی به روشهای تحلیل گفتمان^۶ و تحلیل زمینه‌ای^۷ نزدیک می‌شود؛ هم چنین به اتکای خود متن نوشتاری می‌توان آن را مورد استفاده قرار داد. در این تحقیق بیشتر روش تحلیل محتوا به شیوه دوم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روش تحلیل محتوا به دو دسته کمی و کیفی تقسیم می‌شود: ۱- در روش کمی تعداد زیادی

-
- 1-Technique
 - 2-Method
 - 3-Abduction
 - 4-Context
 - 5-Text
 - 6-Discourse Analysis
 - 7-Context Analysis

داده به طور مختصر تحلیل می‌شود. واحد اطلاعاتی پایه در این روش، تکرار ظهور برخی از ویژگیهای محتوای متن، شمارش، مقایسه و تحلیل آنهاست. ۲- در روش کیفی تعداد کمی داده به صورت مرکب و مفصل تحلیل می‌شود. واحد اطلاعاتی پایه در این روش، ظهور یا غیبت یک ویژگی، مقایسه و تحلیل آنهاست. مرزبندی میان این دو روش اعتبار کلی دارد چون خصوصیات ویژه دو نوع روش (کمی و کیفی) کاملاً صریح نیست (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۳: ۲۲۳). در این مقاله گرچه غلبه با استفاده از روش کیفی است از روش کمی هم به عنوان مکمل استفاده می‌شود.

همان گونه که بیان شد، متن برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه، جامعه آماری تحقیق است. متن هر برنامه، واحد تحلیل است. ماده‌ها، تبصره‌ها، بندها، جملات و عبارتها واحد مشاهده است. در برخی موارد یک جمله یا عبارت، که ممکن است یک ماده یا تبصره (یا بخشی از یک ماده یا تبصره) باشد درباره چند موضوع، مطلب دارد؛ لذا برحسب تعداد موضوع، کدهای متعدد به آن داده می‌شود. با توجه به چارچوب مفهومی - تحلیلی تحقیق، ابتدا محتوای هر برنامه به چهار بخش اقتصادی، سیاسی، جامعه‌ی و فرهنگی تقسیم می‌شود. هر یک از چهار بخش نیز به موضوعات جزئی تری تقسیم، و کد گذاری می‌شود. در جدولهای مربوط به داده‌های برنامه‌ها، اعدادی که در جلوی هر موضوع آمده، کد آنها است.

در استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، بحث امکان اعتماد^۱ بسیار مهم است؛ یعنی اگر پژوهشگر از متن، استنباطی کرد، دیگری هم، همان استنباط را بکند. یکی از روشهای آماری مناسبی که برای محاسبه قابلیت اعتماد وجود دارد، ضریب KAPPA است. در این روش با استفاده از فرمول ذیل، میزان توافق یا همخوانی بین استنباط کننده‌ها محاسبه می‌شود. هرچه میزان توافق بیشتر باشد، عدد به دست آمده از فرمول به "یک" نزدیکتر می‌شود و هرچه میزان توافق کمتر باشد عدد به دست آمده از فرمول به "صفر" نزدیکتر می‌شود. در این تحقیق علاوه بر محقق، حداقل یک استنباط کننده دیگر وجود دارد. از محاسبه میزان توافق بین این دو استنباط کننده در مورد تک تک بندهای متن مورد استنباط ضریب KAPPA به دست می‌آید:

$$KAPPA = \frac{of-ef}{n-ef}$$

1-Reability

پاسخ به پرسش‌ها

در این قسمت به هشت پرسش برآمده از درون چارچوب مفهومی - تحلیلی با استفاده از داده‌های متن برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه، پاسخ داده می‌شود. پرسش اول: آیا برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران شامل تمام حوزه زندگی اقتصادی، سیاسی، جامعه‌ی و فرهنگی می‌شود؟ جواب منفی است. چون حوزه سیاسی هم در عنوان برنامه‌های توسعه مفقود است و هم در محتوای هر سه برنامه به آن توجه نشده است. فقط در برنامه چهارم اندکی به آن پرداخته شده است^(۳) (جدول ۱).

جدول ۱: توزیع فراوانی مطلق و نسبی ماده‌ها و بندهای برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران بین چهار حوزه زندگی اجتماعی

برنامه چهارم		برنامه سوم		برنامه دوم		برنامه‌های توسعه حوزه‌های زندگی اجتماعی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵۴/۸	۴۱۶	۵۶/۳	۲۸۶	۶۶/۳	۱۸۳	حوزه زندگی اقتصادی
۳/۷	۲۸	۱/۲	۶	۱/۱	۳	حوزه زندگی سیاسی
۱۴/۴	۱۰۹	۱۷/۹	۹۱	۱۳	۳۶	حوزه زندگی جامعه‌ی
۲۷	۲۰۵	۲۴/۶	۱۲۵	۱۹/۶	۵۴	حوزه زندگی فرهنگی
۱۰۰	۷۵۸	۱۰۰	۵۰۸	۱۰۰	۲۷۶	جمع

تقریباً در هر سه برنامه توسعه (دوم، سوم و چهارم) به تأسیس و فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، مشارکت سیاسی مردم، ارزشها و هنجارهای سیاسی و تخطی از آنها، گسترش و انتقال آگاهیها و بیش‌تر سیاسی به مردم هیچ توجهی نشده است (جدول ۲). پرسش دوم: آیا برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. به حوزه‌های زندگی اقتصادی، سیاسی، جامعه‌ی و فرهنگی توجه نسبتاً برابر دارد؟ جواب منفی است. تعداد ماده‌ها و بندهای برنامه‌های دوم، سوم و چهارم که به موضوعهای اقتصادی پرداخته به ترتیب ۶۶ درصد، ۵۶ درصد و ۵۵ درصد است. تعداد ماده‌ها و بندهایی که به موضوعهای سیاسی پرداخته به ترتیب برنامه‌ها، یک درصد، یک درصد و چهار درصد است در حالی که تمام این درصدها باید حدوداً ۲۵ باشد (جدول ۱).

جدول ۲: میزان متغیرهای خاص حوزه زندگی سیاسی

برنامه های توسعه			برنامه دوم			برنامه سوم			برنامه چهارم			
حوزه های زندگی اجتماعی	فروانی	درصد برنامه ای	درصد کلی	فروانی	درصد برنامه ای	درصد کلی	فروانی	درصد برنامه ای	درصد کلی	فروانی	درصد برنامه ای	درصد کلی
	(۱ برنامه)	(۳ برنامه)	(۱ برنامه)	(۳ برنامه)	(۱ برنامه)	(۳ برنامه)	(۱ برنامه)	(۳ برنامه)	(۱ برنامه)	(۳ برنامه)	(۱ برنامه)	(۳ برنامه)
۲- حوزه زندگی سیاسی ارزش محوری: قدرت کارکرد محوری: تولید، توزیع و کاربرد قدرت در جامعه	۳	۱۰۰	۱/۱	۶	۱۰۰	۱/۲	۲۸	۱۰۰	۳/۷			
۲/۰- سیاسی به طور کلی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰/۳			
۲/۱- تأسیس و فعالیت احزاب و گروه های سیاسی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰			
۲/۲- مشارکت سیاسی مردم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰/۱			
۲/۳- ارزشها و هنجارهای سیاسی و تخطی از آنها	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰/۱			
۲/۴- روابط سیاسی و امنیتی با سایر کشورها	۰	۰	۰	۵	۸۳/۳	۱	۶	۲۱	۰/۸			
۲/۵- گسترش و انتقال آگاهیها و بینش سیاسی به مردم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰			
۲/۶- تأمین امنیت (جانی، مالی، عمومی، آبرو...)	۳	۱۰۰	۱/۱	۱	۱۶/۷	۰/۲	۱۸	۶۴/۳	۲/۴			

پرسش سوم: آیا برنامه های توسعه ج. ا. ا. به منظور تأمین آزادیهای نسبتاً برابر برای همه افراد جامعه در فعالیتهای اقتصادی، سیاسی، جامعه‌ی و فرهنگی ماده‌ای (یا طرحی) دارد؛ اگر جواب مثبت است، آنها چیست؟ تقریباً جواب منفی است؛ چون در برنامه‌ها، هیچ ماده یا بندی نیست که بر آزادیهای چهارگانه برای همه افراد جامعه تأکید کند. البته خلاف آن نیز ماده و بندی وجود ندارد. فقط در برنامه چهارم توسعه در حوزه زندگی اقتصادی به آزادی در محدوده کار اشاره شده است (متانی، ۱۳۸۶: ۳۷۷، ماده ۱۰۱).

پرسش چهارم: آیا برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. برای فراهم نمودن برابری منصفانه در استفاده از فرصتهای اقتصادی، سیاسی، جامعه‌ی و فرهنگی برای همه اعضای جامعه ماده‌هایی (یا طرح‌هایی) دارد؛ اگر جواب مثبت است آنها کدام است؟

از دیدگاه آمارتیا سن «عدالت واقعی زمانی تحقق می‌یابد که افراد از فرصتهای یکسان برای کسب موقعیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی برخوردار باشند و علاوه بر آن توانایی [یا قابلیت] استفاده از آن را نیز داشته باشند (سن، ۱۳۹۰: ۱۸). یکی از مهمترین راه‌های کسب توانمندی، آموزش است؛ لذا در جامعه باید امکان نسبتاً برابر برای طی کردن دوره‌های مختلف آموزشی برای همه فراهم باشد. براساس اصل سی‌ام قانون اساسی: «دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد؛ هم چنین براساس اصل بیست و هشتم قانون اساسی: «دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید».

تحلیل محتوای کمی برنامه‌ها نشان می‌دهد: برنامه دوم با اختصاص ۱۰/۵ درصد، برنامه چهارم با ۷/۶ درصد و برنامه سوم با شش درصد از حجم خود به آموزش پرداخته است (جدول ۳).

تحلیل محتوای کیفی برنامه‌ها نشان می‌دهد که برنامه چهارم به آموزش از ابعاد مختلف توجه بیشتری دارد. اما تا رسیدن به نقطه مطلوب کمی و بویژه کیفی فاصله قابل توجهی وجود دارد.

پرسش پنجم: آیا برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. برای تعدیل و محدود کردن نابرابریهای ثروت و رساندن نفع نابرابریهای موجود به افراد محروم جامعه ماده‌ای (یا طرحی) دارد؛ اگر جواب مثبت است، آنها چیست؟

جواب مثبت است. برنامه دوم با هفت تبصره (۶/۹٪)، برنامه سوم با ۱۳ ماده (۶/۵٪)، و برنامه چهارم با شش ماده (۳/۷٪) به محرومان و کم درآمدها توجه کرده است؛ اما این توجه به گونه‌ای نبوده است که تغییر مهمی در ضریب جینی و سهم دهک بالا و دهک پایین از درآمدهای کشور، ایجاد کند. تغییر کمی که ایجاد شده به برنامه چهارم مربوط است؛ ضمناً تمامی ماده‌ها به بهبود وضعیت کم درآمدها مربوط است. ماده‌ای یا طرحی برای تعدیل و محدود کردن دارایی ثروتمندان و انتقال آن به کم‌درآمدها وضع نشده است. ماده‌ها و طرح‌های پیش‌بینی شده همه از درآمدهای نفتی است.

جدول ۳: میزان متغیرهای زندگی فرهنگی

برنامه چهارم			برنامه سوم			برنامه دوم			برنامه‌های توسعه
درصد کلی (۳برنامه)	درصد برنامه‌ای (۱برنامه)	فراوانی	درصد کلی (۳برنامه)	درصد برنامه‌ای (۱برنامه)	فراوانی	درصد کلی (۳برنامه)	درصد برنامه‌ای (۱برنامه)	فراوانی	
۲۷	۱۰۰	۲۰۵	۲۴/۶	۱۰۰	۱۲۵	۱۹/۶	۱۰۰	۵۴	حوزه‌های زندگی اجتماعی ۴- حوزه زندگی فرهنگی ارزش محوری: دانش (اطلاعات، انرژی انگیزشی) کارکرد محوری: تولید، انتقال و کاربرد دانش (اطلاعات و انرژی انگیزشی)
۰/۹	۳/۴	۷	۰/۴	۱/۶	۲	۰/۷	۳/۷	۲	۴/۰- فرهنگی به طور کلی
۰/۹	۳/۴	۷	۰/۸	۳/۲	۴	۳/۶	۱۸/۵	۱۰	۴/۱/۰- آموزش به طور کلی
۲/۱	۷/۸	۱۶	۱/۲	۴/۸	۶	۲/۹	۱۴/۸	۸	۴/۱/۱- آموزش و پرورش، ابتدایی، راهنمایی، متوسطه
۲/۱	۷/۸	۱۶	۲	۸	۱۰	۳/۳	۱۶/۷	۹	۴/۱/۲- آموزش عالی
۰/۷	۲/۴	۵	۰/۴	۱/۶	۲	۰	۰	۰	۴/۱/۳- آموزشهای آزاد(قرآن، حمل و نقل درون و برون شهری و چگونگی استفاده از انرژیها)
۱/۸	۶/۸	۱۴	۱/۶	۶/۴	۸	۰/۷	۳/۷	۲	۴/۱/۴- آموزش ضمن خدمت، فنی و حرفه‌ای، علمی - کاربردی و نظایر آن
۷/۶	۲۸/۳	۵۸	۶	۲۴	۳۰	۱۰/۵	۵۳/۷	۲۹	۴/۱- جمع آموزش
۲/۴	۸/۸	۱۸	۲/۴	۹/۶	۱۲	۱/۸	۹/۳	۵	۴/۲/۰- پژوهش به طور کلی
۰/۹	۳/۴	۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴/۲/۱- پژوهش‌های علمی
۰/۳	۱	۲	۱/۸	۷/۲	۹	۰	۰	۰	۴/۲/۲/۰- پژوهش‌های فرهنگی به طور کلی
۰/۱	۰/۵	۱	۲	۸	۱۰	۰/۴	۱/۸	۱	۴/۲/۲/۱- درباره امام خمینی(ره)
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴/۲/۲- پژوهش‌های فرهنگی ۴/۲/۲- در مورد فرهنگ، ایثار و شهادت
۰/۱	۰/۵	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴/۲/۲/۳- در مورد معارف دینی
۰/۱	۰/۵	۱	۰/۲	۰/۸	۱	۰	۰	۰	۴/۲/۲/۴- در مورد شاخصهای فرهنگی
۰/۷	۲/۴	۵	۴	۱۶	۲۰	۰/۴	۱/۸	۱	۴/۲/۲- جمع پژوهش‌های فرهنگی
۴	۱۴/۶	۳۰	۶/۳	۲۵/۶	۳۲	۲/۲	۱۱/۱	۶	۴/۲- جمع پژوهش

ادامه جدول ۳: میزان متغیرهای زندگی فرهنگی

۲/۲	۸/۳	۱۷	۲/۲	۸/۸	۱۱	۱/۸	۰/۷	۵	۴/۳/۰ - فعالیت های فرهنگی - هنری و... به طور کلی	۴/۳ فعالیت‌های فرهنگی هنری و رسانه‌های جمعی
۰/۳	۱	۲	۱/۲	۴/۸	۶	۰	۰	۰	۴/۳/۱ - صدا و سیما و... به طور کلی	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴/۳/۱/۱ - صدا	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱/۱	۵/۵	۳	۴/۳/۱/۲ - سیما	
۰/۱	۰/۵	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴/۳/۱/۳ - فضاهای مجازی	
۰/۴	۱/۵	۳	۱/۲	۴/۸	۶	۱/۱	۵/۵	۳	۴/۳/۱ - جمع صدا و سیما و فضاهای مجازی	
۰	۰	۰	۰/۲	۰/۸	۱	۰	۰	۰	۴/۳/۲/۰ - سینما و تئاتر به طور کلی	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴/۳/۲/۱ - سینما	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴/۳/۲/۲ - تئاتر	
۰	۰	۰	۰/۲	۰/۸	۱	۰	۰	۰	۴/۳/۲ - جمع سینما و تئاتر	
۰/۹	۰	۷	۱/۸	۷/۲	۹	۰/۴	۱/۸	۱	۴/۳/۳ - مساجد، نمازخانه‌ها و سایر مکانهای مذهبی	
۰/۴	۱/۵	۳	۰/۴	۱/۶	۲	۰	۰	۰	۴/۳/۴/۰ - تبلیغات مذهبی به طور کلی	
۰	۰	۰	۰/۲	۰/۸	۱	۰	۰	۰	۴/۳/۴/۱ - اعزام مبلغهای دینی	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴/۳/۴/۲ - توسعه رسانه‌های مذهبی	
۰/۴	۱/۵	۳	۰	۲/۴	۳	۰	۰	۰	۴/۳/۴ - جمع تبلیغات مذهبی	
۰/۱	۰/۵	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴/۳/۵ - مطبوعات	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴/۳/۶ - کتاب	
۰/۵	۲	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴/۳/۷ - موزه	
۴/۶	۱۷/۱	۳۵	۴/۷	۲۴	۳۰	۳/۳	۱۶/۷	۹	۴/۳ - جمع فعالیت‌های فرهنگی - هنری و رسانه‌های جمعی	
۱/۶	۵/۸	۱۲	۰/۲	۰/۸	۱	۰/۷	۳/۷	۲	۴/۴ - فعالیت‌های فرهنگی - هنری در خارج از کشور	
۳	۱۱/۲	۲۳	۲/۸	۱۱/۲	۱۴	۰/۴	۱/۸	۱	۴/۵ - هویت و میراث فرهنگی	
۳/۳	۱۲/۲	۲۵	۱/۶	۶/۴	۸	۱/۸	۹/۳	۵	۴/۶ - فناوری دانش و اطلاعات، ایجاد و گسترش بانکهای اطلاعات و داده‌ها بویژه در فضاهای مجازی	
۰/۹	۳/۴	۷	۰/۲	۰/۸	۱	۰	۰	۰	۴/۷ - صنایع و محصولات فرهنگی	
۰/۸	۲/۹	۶	۱/۴	۵/۶	۷	۰	۰	۰	۴/۸ - گسترش و نهادینه نمودن اعتقادات، آگاهیاها، ارزشها و هنجارهای اسلامی	
۰/۳	۱	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴/۹ - رویارویی با فراز مغزها	

پرسش ششم: آیا برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. برای رساندن خیر همگان ناشی از نابرابریهای قدرت و عدم استفاده شخصی و گروهی آن ماده‌ای (طرحی) دارد؛ اگر مثبت است، این ماده‌ها کدام است؟ جواب منفی است. در محتوای برنامه‌های توسعه ایران واژه «سیاسی» نیامده و فقط واژه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است. در محتوا هم ماده‌ای و بندی در مورد حوزه سیاست به معنای خاص نیامده است. برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه در مورد احزاب و گروه‌های سیاسی، مشارکت سیاسی، ارزشها و هنجارهای سیاسی، آگاهیه‌ها و بینش سیاسی تقریباً هیچ ماده‌ای (یا طرحی) ندارد. فقط در مورد حوزه عمومی سیاست ماده‌ها و بندهایی دارد که جدولهای دو و چهار آنها را نشان می‌دهد.

جدول ۴: میزان متغیرهای عام حوزه زندگی سیاسی

برنامه‌های توسعه		برنامه دوم			برنامه سوم			برنامه چهارم	
فراوانی	برنامه‌ای	درصد کلی	فراوانی	برنامه‌ای	درصد کلی	فراوانی	برنامه‌ای	درصد کلی	
حوزه‌های زندگی اجتماعی									
۵	۱۰۰	۱/۴	۴۹	۱۰۰	۸۳	۷۹	۱۰۰	۸/۸	۲/۱۰ - محورهای کلی و کم‌رنگ مرتبط با حوزه زندگی سیاسی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰/۱	۲/۱۰/۰ - سیاسی کم ارتباط به طور کلی
۰	۰	۰	۰	۱۰	۲۰	۲۶	۳۲/۹	۲/۹	۲/۱۱ - سیاستگذاریه‌های کلان و ایجاد تحولات بنیانی در جامعه
۰	۰	۰	۰	۱	۲	۰	۰	۰	۲۱۲ نظارت بر تمام ... به طور کلی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	تمام دولتی - ۲/۱۲/۱
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	فعالیتها و سازمانها - ۲/۱۲/۲ - جمع نظارت بر تمام فعالیتها...
۰	۰	۰	۰	۱	۲	۰	۰	۰	در سطح کلان - ۲/۱۲ - جمع نظارت بر تمام فعالیتها...
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰/۱	۲/۱۳ - سیاستها و برنامه‌های تمرکززدایی در سطح کلان
۰	۰	۰	۰	۸	۱۶/۳	۲۱	۲۶/۶	۲/۴	۲/۱۵ - نیروهای مسلح به طور کلی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	نیروهای ارتش - ۲/۱۵/۱
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	نیروهای سپاه - ۲/۱۵/۲
۰	۰	۰	۰	۸	۱۶/۳	۲۱	۲۶/۶	۲/۴	۲/۱۵ - جمع نیروهای مسلح
۵	۱۰۰	۱/۴	۳۰	۶۱/۲	۵/۱	۳۰	۳۸	۳/۳	۲/۱۶ - کوچک‌سازی دولت و افزایش مشارکت مردم در اداره جامعه

پرسش هفتم: آیا برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. برای تولید و انتقال تعهد، احترام و محبت در سراسر جامعه و برای همه افراد جامعه ماده‌ای (یا طرحی) دارد؛ اگر جواب مثبت است، آنها کدام است؟ جواب مثبت است. تمام تبصره‌ها، ماده‌ها و بندهایی که اندازه آنها در جدول شماره پنج آمده، تولیدکننده و انتقال‌دهنده تعهد، احترام و محبت است؛ اما به طور مشخص داده‌های شاخص ۳/۱ نشان‌دهنده توجه برنامه‌های توسعه به ارزشهای تعهد، احترام و محبت است. برنامه دوم با یک تبصره و برنامه سوم با یک ماده به این ارزشها آن هم به صورت محدود توجه می‌کند. برنامه چهارم با جهش قابل توجه، طی هفت ماده در ۲۲ بند به سرمایه‌های اجتماعی، نهادهای مدنی، گروه‌های مردم نهاد، قانونگرایی، رضایت اجتماعی، حقوق شهروندی و... می‌پردازد که متغیرهای شاخص ۳/۱ است؛ لذا می‌توان گفت برنامه چهارم به تولید و انتقال تعهد، احترام و محبت، نسبت به دو برنامه قبلی، توجه زیادی کرده است.

پرسش هشتم: آیا برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. برای تولید، انتقال و کاربرد دانش، اطلاعات و نیروی انگیزشی در سراسر جامعه و برای همه افراد ماده‌ای (یا طرحی) دارد؛ اگر جواب مثبت است، این ماده‌ها کدام است؟ جواب مثبت است. تمام داده‌های حوزه زندگی فرهنگی و شاخصهای اندازه‌گیری آن با تولید، انتقال و کاربرد دانش، اطلاعات و نیروی انگیزشی مرتبط است. در تحلیل محتوای کمی حدود ۲۰ درصد برنامه دوم، ۲۵ درصد برنامه سوم و ۲۷ درصد برنامه چهارم به حوزه زندگی فرهنگی مربوط است (جدول ۱). به لحاظ کمی حوزه زندگی فرهنگی تقریباً در هر سه برنامه در وضعیت متعادل است.

پژوهش و سپس آموزش عالی دو متغیری است که بیشترین میزان تأثیر را در تولید دانش و اطلاعات دارد. از بین سه برنامه به ترتیب برنامه سوم با ۶/۳ درصد، برنامه چهارم با ۴ درصد و برنامه دوم با ۲/۲ درصد ماده و بند را در زمینه پژوهش دارد. در مورد آموزش، برنامه دوم با ۱۰/۵ درصد، برنامه چهارم با ۷/۶ درصد و برنامه سوم با ۶ درصد ماده و بند را دارد. در زمینه پژوهشهای علمی فقط برنامه چهارم، هفت ماده و بند ۰/۹ درصد دارد و اندازه دو برنامه دیگر صفر است (جدول ۳). در مورد تولید نیروی انگیزشی بیشترین تأثیر را فعالیت فرهنگی و هنری و رسانه‌های جمعی (کُد ۴/۳) دارد. برنامه‌های چهارم و سوم هر کدام با حدود پنج درصد و برنامه دوم با حدود سه درصد ماده و بند را در این زمینه دارد (جدول ۳).

جدول ۵: میزان متغیرهای خاص حوزه زندگی جامعه‌ی

برنامه‌های توسعه			برنامه دوم			برنامه سوم			برنامه چهارم		
فرآوانی	درصد حوزه‌ای	درصد برنامه‌ای	فرآوانی	درصد حوزه‌ای	درصد برنامه‌ای	فرآوانی	درصد حوزه‌ای	درصد برنامه‌ای	فرآوانی	درصد حوزه‌ای	درصد برنامه‌ای
حوزه‌های زندگی اجتماعی											
۳- حوزه زندگی جامعه‌ی ارزش محوری: تعهد (احترام، محبت) کارکرد محوری: تولید، توزیع و کاربرد تعهد (احترام، محبت و هر آنچه موجب انسجام و چسبندگی اجتماعی می‌شود.											
۴۵	۱۰۰	۱۳	۹۱	۱۰۰	۱۷/۹	۱۰۹	۱۰۰	۱۴/۴			
۳/۰- جامعه‌ی به طور کلی											
۰	۰	۰	۱	۱/۱	۰/۲	۱	۰/۹	۰/۱			
۳/۱- افزایش کمی و کیفی سرمایه‌های اجتماعی، نهادهای مدنی گروه‌های مردم‌نهاد (NGO)، قانونگرایی، رضایت اجتماعی، حقوق شهروندی											
۱	۲/۸	۰/۴	۱	۱/۱	۰/۲	۲۸	۲۳/۸	۳/۴			
۳/۲- پیشگیری و کاهش کج رویها، جرائم، آسیبها و مسائل اجتماعی											
۱	۲/۸	۰/۴	۳	۳/۳	۰/۶	۱۱	۱۳/۸	۲			
۳/۲- حمایت از افراد، خانواده‌ها و مناطق و آسیب‌دیده											
۱۴	۴۱/۷	۵/۴	۲۶	۳۰/۱	۵/۵	۱۹	۱۸/۳	۲/۶			
۳/۴/۰- امور قضایی و انتظامی به طور کلی											
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰			
۳/۴/۱- رسیدگی به شکایتها، محاکم قضایی، زندانها و...											
۱	۲/۸	۰/۴	۸	۸/۸	۱/۶	۱۴	۱۲/۱	۱/۸			
۳/۴/۲- برقراری نظم عمومی و نیروی انتظامی											
۰	۰	۰	۲	۲/۲	۰/۴	۲	۱/۸	۰/۳			
۳/۴/۳- مؤسسه‌های غیردولتی به منظور عرضه خدمات حفاظتی و حقوقی											
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰/۹	۰/۱			
۳/۴- جمع امور قضایی و انتظامی											
۱	۲/۸	۰/۴	۱۰	۱۰/۱	۲	۲۱	۱۵/۶	۲/۲			
۳/۵- تقویت نهاد خانواده											
۴	۱۱/۱	۱/۴	۲	۲/۲	۰/۴	۵	۴/۶	۰/۷			
۳/۶- تقویت نقش زن و جوانان											
۱	۲/۸	۰/۴	۸	۸/۸	۱/۶	۹	۸/۳	۱/۲			
۳/۷- خدمات رسانی به ایثارگران											
۹	۲/۸	۰/۴	۱۷	۱۸/۷	۳/۳	۲	۱/۸	۰/۳			
۳/۸- اوقات فراغت و ورزش											
۹	۱۹/۴	۲/۵	۸	۸/۸	۱/۶	۱۴	۱۲/۱	۱/۸			
۳/۹- ارتباطات											
۴	۱۱/۱	۱/۴	۳	۳/۳	۰/۶	۰	۰	۰			

در زمینه انتقال و کاربردی کردن دانش، اطلاعات و نیروی انگیزشی، علاوه بر آموزش بیشترین تأثیر را فعالیت‌های فرهنگی - هنری و رسانه‌های جمعی و هم چنین فناوری دانش و اطلاعات، ایجاد و گسترش بانکهای اطلاعات و داده‌ها بویژه در فضاهای مجازی (با کُد ۴/۶) دارد (جدول ۳).

در مورد اول بیشترین ماده و بند را برنامه‌های چهارم و سوم هر کدام با حدود ۵ درصد و سپس برنامه دوم با حدود ۳ درصد دارا است. در مورد فناوری دانش و اطلاعات، ایجاد و گسترش بانکهای اطلاعات و داده‌ها بویژه در فضاهای مجازی برنامه چهارم با ۳/۳ درصد، برنامه دوم با ۱/۸ درصد و برنامه سوم با ۱/۶ درصد به ترتیب بیشتر تعداد ماده و بند را دارد (جدول ۳).

کلاً در تحلیل محتوای کیفی ماده و بندهای سه برنامه در موارد بیشتر، برنامه چهارم در زمینه تولید، انتقال و کاربردی کردن دانش، اطلاعات و نیروی انگیزشی دارای ماده‌ها و بندهای مؤثرتر و کاراتری است.

نتیجه گیری

تمام فرایند تحقیق برای پاسخ به این سؤال شکل گرفت:

«برنامه‌های کلان توسعه جمهوری اسلامی ایران تا چه حد بر تحقق عدالت اجتماعی تأکید دارد؟»

براساس چارچوب مفهومی - تحلیلی تحقیق، عدالت اجتماعی به چهار نوع اقتصادی، سیاسی، جامعه‌ی و فرهنگی تقسیم می‌شود. این چهارگونه عدالت اجتماعی بر چند حوزه زندگی اجتماعی مبتنی است: ۱ - حوزه زندگی اقتصادی ۲ - حوزه زندگی سیاسی ۳ - حوزه زندگی جامعه‌ی ۴ - حوزه زندگی سیاسی. این چهار حوزه به لحاظ اهداف یا ارزشها و ساز و کارهای دستیابی به آنها از یکدیگر مستقل و به لحاظ شکل‌دهی و سازماندهی زندگی اجتماعی در سطح کلان با یکدیگر مرتبط و در تعامل است. ثروت و انرژیهای مادی، ارزشهای محوری حوزه زندگی اقتصادی؛ قدرت، ارزش محوری حوزه زندگی سیاسی؛ تعهد، احترام و محبت، ارزشهای محوری حوزه زندگی جامعه‌ی و نیروی انگیزشی، دانش و اطلاعات، ارزشهای محوری حوزه زندگی فرهنگی است. عدالت‌های اجتماعی چهارگانه ناظر بر ارزشهای محوری چهارگانه است.

با این مقدمه عدالت اجتماعی در سطح کلان، توجه نسبتاً برابر به تمام حوزه‌های زندگی اجتماعی و ارزشهای محوری آنها با فراهم بودن برابری در قابلیت‌ها و زمینه‌های ایجاد و پرورش آنها، برابری آزادی در فعالیت‌ها، برابری در استفاده از فرصتهای اجتماعی و نابرابری مشروط در برخورداری از ارزشهای اجتماعی است.

براساس داده‌ها میزان توجه هر سه برنامه به حوزه‌های چهارگانه زندگی اجتماعی متوازن نیست. غلبه با حوزه زندگی اقتصادی است و حوزه زندگی سیاسی تقریباً مفقود است؛ حوزه زندگی

جامعوی نیز کمرنگ است (جدول ۱)؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت در اثر اجرای برنامه‌ها، ارزشهای اقتصادی بر جامعه مسلط شده، و سه حوزه دیگر بویژه حوزه‌های زندگی سیاسی و جامعوی را کاملاً تحت تاثیر قرار داده است.

حوزه زندگی سیاسی دچار نوعی بی‌هنجاری^۱ است. چون بر برنامه‌های توسعه مبتنی نیست؛ لذا در جامعه همواره با مسائل و بحرانهای سیاسی رو به رو هستیم. اوج این بحرانها در محدوده انتخابات مجلس شورای اسلامی، شورای شهرها و ریاست جمهوری است.

حوزه زندگی جامعوی ضعیف است و توانایی لازم را برای تولید و به کارگیری کافی تعهد، احترام و محبت ندارد؛ لذا انسجام اجتماعی در سطح ملی با چالش‌های اساسی رو به رو است. سرمایه‌های اجتماعی ضعیف شده، و انحرافات و مسائل اجتماعی رو به افزایش است. توجه برنامه‌های توسعه به حوزه زندگی فرهنگی و ارزشهای محوری آن تقریباً در وضعیت مناسب قرار دارد.

نتیجه اینکه حوزه‌های چهارگانه زندگی اجتماعی (اقتصادی، سیاسی، جامعوی و فرهنگی) به صورت متعادل کارکردهای چهارگانه (انطباق‌پذیری، تحقق اهداف، یگانگی و بقای الگویی) خود را انجام نمی‌دهد. با توجه به شکل ۲، گردش اطلاعات و انرژی و اجرای کنترل به خوبی صورت نمی‌گیرد. میزان بی‌نظمی‌های اجتماعی بسیار است و میزان انحرافات، آسیبها و مسائل اجتماعی در طول سه برنامه فراوان است.

تحقق عدالت اجتماعی در جامعه مستلزم داشتن دیدگاه نظری جامع، قوی و کارا و تدوین برنامه‌های طولانی مدت (بیست ساله و بیشتر)، میان مدت (پنج ساله) و کوتاه مدت (یکساله) به منظور اجرای آنها است. متأسفانه جامعه به دلایل متعدد در تنظیم، تدوین و اجرای برنامه‌ها، فاقد انسجام نظری و اجرایی است. تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی و اجرای برنامه پنجساله آن گامی بسیار مثبت در این راستا است منتهی به این شرط که

اولاً: همه ارکان نظام خود را به اجرای آن ملزم بدانند و سلیقه‌ها و منافع شخصی و گروهی، آن را از مسیر خود خارج نکنند.

ثانیاً: عدالت اجتماعی مطرح در چشم‌انداز بر دیدگاه نظری جامع، قوی و کارا مبتنی باشد و صاحبان اندیشه و قدرت در مورد آن اتفاق نظر داشته باشند.

1- Anomy

ثالثاً: به عدالت اجتماعی تنها از بُعد اقتصادی نگریسته نشود؛ بلکه به ابعاد سیاسی، جامعه‌ی و فرهنگی آن نیز توجه شود و همه، آنها را تقریباً به طور یکسان مهم تلقی کنند. چهار برنامه اجرا شده بیشتر برنامه اقتصادی است چون به بُعد جامعه‌ی کم توجه شده و به بُعد سیاسی تقریباً توجهی نشده است.

رابعاً: در برنامه نویسی‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت از شیوه‌های قیاسی و استقرایی به صورت توأمان یا ترکیبی استفاده شود؛ چون شیوه قیاسی^۱ یا استقرایی^۲ به تنهایی کافی نیست. به این شیوه اصطلاحاً Abduction گفته می‌شود.

خامساً: لازم است یک پژوهشگر برنامه‌نویسی در معاونت نظارت راهبردی و برنامه ریزی ریاست جمهوری ایجاد شود تا از طریق آموزش و پژوهش توان برنامه‌نویسی کشور رُشد یابد. مقایسه‌ی شکلی و محتوایی چهار برنامه گذشته و روند تغییرات آن این نیاز را نشان می‌دهد. لازم نیست در تمام زمینه‌ها از روش آزمون و خطا مسیر را یافت. آموزش و پژوهش و استفاده از تجربیات سایر کشورها می‌تواند راه‌ها را کوتاه کند و هزینه را کاهش دهد و زمان را کمتر، و هدفیابی را صحیح‌تر و سریع‌تر کند.

یادداشتها

۱ - Societal به معنای «جامعه‌ی» یا «جامعه‌ای» یا «مربوط به جامعه» است که با واژه Social به معنای «اجتماعی» متفاوت است.

۲- برای پردازش چارچوب مفهومی - تحلیلی موضوع مقاله و این شکل از الگوی AGIL تالکوت پارسونز ایده گرفته شده است؛ علاوه بر این از آرای جان راولز، مایکل والزر، آمارتیا سن و امام خمینی(ره) نیز استفاده شده است.

۳ - داده‌های تمامی جدولهای مقاله از متن کامل برنامه‌های اول، دوم، سوم و چهارم توسعه جمهوری اسلامی است استخراج شده است.

منابع

سن، آمارتیا کومار(۱۳۹۰). اندیشه عدالت. ترجمه میر محمودی و هرمز همایون‌پور. تهران: انتشارات کند و کاو و کتاب روشن.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

کیوی، ریمون؛ لوک وان، کامپنهود(۱۳۷۳). روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. چاپ چهارم. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

1- induction

2- deduction

متانی، محمد علی (گردآوری و تدوین) (۱۳۸۶). مجموعه قوانین برنامه های اول، دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. چ دوم. تهران: انتشارات جنگل.

